

عنوان مقاله:

استقرا در سیر تحول فکری راسل

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 13، شماره 29 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

زهرا اسماعیلی - دانشجوی دکترای فلسفه، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

محمد حکاک - استادیار گروه فلسفه، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

خلاصه مقاله:

فلسفه راسل را می توان به دو دوره مجزا تفکیک کرد. در دوره اول او تحت تاثیر فلاسفه پیش از خود سعی در حفظ مبنایگرایی دارد و لی در دوره دوم تلاش می کند این مبنایگرایی را به حداقل برساند. او در آثار اولیه اش استقرا را به دلیل بداهت ذاتی و کاربرد وسیع آن در زندگی می پذیرد و استنتاجهای استقرایی را احتمالی و نه قطعی می داند. اما در دوره دوم همانند یک تجربه گرای محض از تحلیل پدیده های تجربی، اصولی را استنتاج می کند که اصول موضوعه علوم تجربی هستند. این اصول، ماهیت فرا منطقی دارند و جالب اینجاست که استقرا در زمره این اصول نیست. در واقع در نظر راسل، علم وحی فهم عادی که از طریق استنتاج نابرهانی حاصل می شود محتاج این اصول هستند. در این مقاله ما به دنبال شناخت دیدگاه راسل در باب استقرا هستیم لذا به تفصیل آنرا در دو دوره مجزا بررسی می کنیم. در دوره اول علاوه بر بیان دیدگاه راسل، به عنوان نمونه یکی از اثباتهای احتمالاتی ارائه شده برای آن خواهد آمد و در دوره دوم، علاوه بر بیان دلایل تغییر در نگرش او و تبیین دیدگاه جدیدش، اصول فرامنطقی حاکم بر استنتاج نابرهانی به همراه برخی ویژگیهای آنها ارائه می شود و در آخر، هرچند به اجمال به نقدهایی که به آن وارد شده، اشاره می شود.

کلمات کلیدی:

راسل، استقرا، احتمال، اصول موضوعه، استنتاج نابرهانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1220973>

